

# عوامل مؤثر در طلاق بر حسب طبقه اجتماعی

مورد: شهر تهران

دکتر حسین آقاچانی مرسا\*

## چکیده

طلاق، به عنوان یک مسأله اجتماعی، یکی از مهمترین پدیده‌های حیاتی انسان است. می‌توان گفت کمتر پدیده اجتماعی به پیچیدگی طلاق باشد. طلاق در ابعاد گوناگون تأثیر فزاینده‌ای بر زندگی انسان‌ها می‌گذارد.

طلاق در بین انسان‌ها و در طبقات مختلف اجتماعی به صورت گوناگونی رخ می‌دهد و به نیروی اصلی و بنیادی جامعه یعنی خانواده اثر می‌گذارد.

در سال‌های اخیر شاهد میزان افزایش طلاق در شهر تهران بوده‌ایم. علل و عوامل متعددی در گسترش این پدیده نقش داشته است. این عوامل بیشتر مربوط به تغییرات گسترده اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. پدیده طلاق از یک طبقه اجتماعی به طبقه اجتماعی دیگر دارای تفاوت‌هایی است زیرا هر طبقه‌ای از نظر قدرت اقتصادی، منزلت اجتماعی، سطح سواد و سبک زندگی، شرایط خاص خودش را دارد.

ضرورت تحقیق در این پدیده از نظر علمی کمکی است به دانش بشری و می‌تواند موجب توسعه علم و دانش در این زمینه باشد.

هدف عمده این تحقیق شناخت عوامل مؤثر در طلاق برحسب طبقه اجتماعی و مقایسه علت و نسبت طلاق در طبقات اجتماعی است. در تحقیق حاضر کوشش شده است، تا ضمن جمع‌بندی دیدگاه‌های مختلف به تدوین نظریه‌ای ترکیبی مبادرت شود، و در دو سطح جامعه‌شناسی خرد و جامعه‌شناسی کلان تبیین شود.

در سطح کلان توجه به درهم شکستن بنیان هنجارهای اجتماعی، از خودبیگانگی، تنهایی و ساخت فشارآور بر ساختار جامعه و تأثیر دگرگونی اقتصادی و اجتماعی و بر نهاد خانواده مورد تحلیل و تبیین قرار گرفته است.

واژگان کلیدی: طلاق، طبقه اجتماعی، تحرک اجتماعی، شرایط آنومیک، تعارض نقش‌ها، تفاوت‌های فرهنگی،

فاصله نقش‌ها، سبک زندگی.

\* استادیار دانشگاه آزاد اسلامی تهران مرکزی.

## مقدمه

طلاق<sup>(۱)</sup>، به عنوان یک مسأله اجتماعی، یکی از مهم‌ترین پدیده‌های حیات انسانی است. می‌توان گفت که کمتر پدیده اجتماعی به پیچیدگی طلاق باشد. طلاق در ابعاد گوناگون تأثیر فزاینده‌ای بر زندگی انسان‌ها می‌گذارد. طلاق در طبقات اجتماعی<sup>(۲)</sup> پدیده‌ای است مؤثر بر تمامی جوانب جمعیت در یک جامعه، (ساروخانی، ۱۳۷۶، ص ۳) زیرا نظام خانواده را از هم می‌باشد. در سال‌های اخیر شاهد افزایش میزان طلاق در تهران و شهرهای مختلف بوده‌ایم. عوامل متعددی در گسترش طلاق نقش داشته‌اند. این عوامل بیشتر مربوط به تغییرات اجتماعی<sup>(۳)</sup> گسترده می‌باشند. دگرگونی‌های عمده‌ای در الگوهای زندگی خانوادگی در شهرها، خصوصاً در این سال‌های اخیر، به وجود آمده است. درصد بالایی از زنان به تحصیلات بالا دسترسی پیدا نموده‌اند و گروه زیادی از آنان به عنوان نیروی کار مزدبگیر اشتغال دارند.

میزان طلاق نه تنها در تهران بلکه در دیگر شهرها نیز رو به افزایش است و نسبت‌های زیادی از جمعیت یا در خانواده‌های تک‌سرپرست یا درون خانواده‌های ناتنی زندگی می‌کنند. در خانواده‌های ناسازگار، زندگی خانوادگی به هیچ‌روی همواره تصویری از هماهنگی و خوشبختی نیست. اکثر زنان در معرض خشونت خانوادگی هستند. افزایش طلاق و مسائل متعددی که در ساختار خانواده ناسازگار وجود دارد، مشکلاتی برای جامعه به وجود آورده است. اکثر زنان از نقش‌هایی که در خانواده سنتی و گسترده به آنان محول شده دچار تعارض نقش و فاصله نقش گردیده‌اند.

در تهران عوامل بیشماری در ناسازگاری خانواده و افزایش طلاق نقش دارند که می‌توانند مورد مطالعه قرار گیرند. زیرا سلامت خانواده و جامعه در گرو مطالعه علمی این پدیده می‌باشد. تحقیق حاضر به این مورد پرداخته است.

1. Divorce
2. Social Classes
3. Social Change

## بیان مسأله:

طلاق مکانیسمی است که زن و شوهر از طریق آن به زندگی مشترک خویش پایان داده و پیوند زناشویی را می‌گسلند.

طلاق در بین انسان‌ها و در طبقات مختلف اجتماعی به صور گوناگونی رخ می‌دهد و به فروپاشی هسته اصلی و بنیادین جامعه یعنی خانواده (ساروخانی، ۱۳۷۲، ص ۵) منجر می‌شود. عوامل متعددی بر ساختار خانواده اثر نامناسب می‌گذارند. این اثرات نامناسب، کارکردهای مناسب خانواده را مختل می‌کنند. در چنین شرایطی، خانواده دچار ناسازگاری شده و در زندگی آنان تعارض به وجود می‌آید. ادامه کشمکش‌ها، بر روی کارکرد اجتماعی زن و شوهر اثرگذار بوده و پدیده طلاق رخ می‌دهد. دگرگونی در ساختارهای اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی بر روی کارکرد خانواده اثرگذار بوده و این دگرگونی تعادل خانواده را بر هم می‌ریزد.

تغییر و دگرگونی در ساختار اقتصادی - اجتماعی در جامعه ایران، خصوصاً شهر تهران موجب دگرگونی ساختار و کارکرد نهاد خانواده شده است. خانواده گسترده با همه کارکردهای مناسب کم‌کم جایش را به خانواده هسته‌ای داده است. وظایف و کارکردهای خانواده گسترده کم رنگ شده و به جای آن مؤسسات اجتماعی قسمتی از وظایف خانواده گسترده را به عهده گرفته‌اند، اقوام و نزدیکان بیشترین نقش را در ثبات، تعادل، وفاق و همبستگی خانواده بر عهده داشتند، اما امروز مراکز مشاوره خانواده به عنوان یک مؤسسه اجتماعی بین نهاد خانواده و جامعه مداخله می‌نماید. به دلیل عدم شناخت فرهنگ و تفاوت‌های فرهنگی خانواده‌ها، این مؤسسات هم گاهی برای خانواده مشکل به وجود می‌آورند. زیرا خانواده در شهرها بیشتر در معرض تعارض و دگرگونی‌های فرهنگی است و انسان‌ها در نهاد خانواده و در طبقات مختلف اجتماعی به دلیل نابرابری‌های اقتصادی - اجتماعی توان هم‌نواپی و سازگاری با تغییرات و دگرگونی سریع را نداشته و دچار بی‌هنجاری‌های اجتماعی شده‌اند (روشه، ۱۳۷۲). در چنین شرایطی ناسازگاری‌های زناشویی شکل گرفته و طلاق رخ می‌دهد.

طلاق، به عنوان یک آسیب اجتماعی، بر ساختار خانواده اثرگذار است و پیامدهای متعددی از آن جامعه را نیز متأثر می‌سازد؛ کارکردهای مناسب را به کارکردهای نامناسب تبدیل نموده، مسائل بیشماری را به وجود می‌آورد. کارکردهای پنهان و نامناسب پدیده طلاق در طبقات اجتماعی موجب شده است تا ازدواج کاهش یابد. علاوه بر کاهش ازدواج مسائل متعددی را برای جامعه به وجود آورده است. زیرا طلاق در طبقات اجتماعی به یک مسأله جدی تبدیل شده و با گسترش خود مشکلاتی را به جامعه تحمیل نمود.

علل و عوامل مؤثر در طلاق در ایران خصوصاً شهر تهران از طبقه‌ای به طبقه دیگر، متفاوت است. زیرا هر طبقه‌ای از نظر قدرت، منزلت، ثروت و شیوه زندگی شرایط خاص خودش را دارد. چون شهر تهران به دلیل مهاجرپذیری شدید و صنعتی بودن نسبت به سایر نقاط کشور از بیشترین میزان تحرک اجتماعی برخوردار است به دلیل این تحرک اجتماعی شدید می‌بایست عوامل اقتصادی و اجتماعی مورد توجه قرار گیرد.

منشاء، شرایط و عوامل مؤثر در طلاق بر حسب طبقه اجتماعی موجب می‌گردد تا این پدیده از دیدگاه‌های مختلف مورد مطالعه و بررسی قرار گیرد تا علل طلاق را از ابعاد اقتصادی و اجتماعی مورد تحلیل قرار دهد. علاوه بر علل طلاق، به ساختار خانواده و تأثیر آن بر شبکه روابط متقابل اجتماعی و وفاق اجتماعی نیز باید توجه نمود.

طلاق به عنوان یک پدیده اجتماعی علاوه بر خانواده، سایر مؤسسات اجتماعی و جامعه را درگیر خویش نموده و اثرات نامطلوبی بر کارکردهای خانواده می‌گذارد.

بارزترین نتیجه منفی طلاق در طبقات اجتماعی اثر آن بر فرزندان خانواده‌های ناسازگار به شمار می‌رود. مشکلات متعدد شخصیتی، افت تحصیلی، تنهایی، از خودبیگانگی، بزهکاری، اعتیاد و صدها آسیب اجتماعی دیگر در کنار سایر عوامل به طلاق مربوط است. گسترش طلاق و افزایش آن موجب شده تا جامعه دچار مشکل شود. بالا بودن دادخواست‌ها و طلاق‌های واقع شده گویای این مسأله است. گسترش پدیده طلاق در طبقات اجتماعی آنقدر عیان و آشکار است که از طریق مشاهده همراه با مشارکت در دادگاه مدنی خاص در شهر تهران می‌توان به رشد شتابان آن پی برد.

افزایش دادخواست‌های طلاق و طلاق‌های واقع شده در کل کشور و شهر تهران گویای این مسأله است که طلاق یکی از مسائل مهم کشور و شهر تهران می‌باشد. چه عواملی موجب شده زندگی زناشویی سیر طبیعی خود را طی نکرده و در نیمه راه زندگی به طلاق منجر شود؟

پدیده طلاق در طبقات اجتماعی از نظر اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی، نوع معیشت، پایگاه اجتماعی، منزلت اجتماعی، شیوه زندگی و غیره دارای تفاوت‌هایی هستند. این تفاوت‌ها بر حسب قشر بندی اجتماعی مورد ارزیابی قرار می‌گیرد. عوامل مؤثر در طلاق در طبقه بالای<sup>(۱)</sup> جامعه و طبقه پائین<sup>(۲)</sup> جامعه و طبقه متوسط<sup>(۳)</sup> دارای تفاوت‌هایی می‌باشد، زیرا هنگامی که سخن از طبقه اجتماعی به میان می‌آید باید به شاخص‌هایی از قبیل درآمد، شغل، سطح تحصیلات و دیگر متغیرهای مهم در طبقات اجتماعی یعنی محل سکونت، شیوه زندگی، آداب و رسوم و غیره توجه شود تا علت تفاوت‌های جامعه شناختی طلاق در هر یک از طبقات اجتماعی معلوم گردد، و چنانچه پدیده طلاق به هر علت در هر طبقه‌ای واقع شود چه نتایجی در بر خواهد داشت؟

طلاق به دلایل گوناگون رخ می‌دهد. گرچه علل و عوامل طلاق متفاوت‌اند و این علل و عوامل در طبقات اجتماعی در لایه‌های عمقی تری قرار دارند و بهانه‌ها در لایه‌های ظاهری بیان می‌شوند، درک، فهم و تفسیر لایه‌های عمقی کار پیچیده‌ای است، (توسلی، ۱۳۷۲) و نیاز به مطالعه و بررسی ژرفانگرانه دارد. بهانه‌ها در طبقات اجتماعی متفاوت است؛ در هر طبقه‌ای یا لایه‌ای علاوه بر بهانه‌های ظاهری می‌بایست علل و عوامل پدیده طلاق را در چیز دیگری جستجو کرد، هر طبقه اجتماعی از نظر ارزش‌های مشترک، منزلت، حیثیت، فعالیت‌های اجتماعی، میراث ثروت، متعلقات شخصی و نیز آداب معاشرت از طبقات دیگر جامعه متفاوت است. یعنی هر کدام از سه طبقه بالا، متوسط، پائین دارای ویژگی‌های خاص خودش می‌باشد.

1. Upper Class
2. Lower Class
3. Middle Class

آنچه که در بادی امر به ذهن متبادر می‌شود آن است که طلاق در طبقات بالا بیشتر حاصل کنش و واکنش عوامل فرهنگی و عوامل ناشی از تحرک طبقاتی شدید است و یا اینکه در طبقات پائین بیشتر جنبه اقتصادی دارد و یا در طبقه متوسط به خاطر بالا رفتن نیازهای مادی و غیر مادی به وسیله رسانه‌ها می‌باشد. بدون آنکه بخواهیم در این امر پیش داوری کنیم، باید عوامل اصلی طلاق را در شهر تهران براساس شاخص‌های تعیین شده طبقه اجتماعی مورد مطالعه قرار داد، و عواملی که ساختار خانواده را سست نموده مورد بررسی قرار دهیم.

تحرک شدید طبقاتی، بحران‌های اقتصادی، تفاوت‌های فرهنگی در بین خانواده‌ها، بالا رفتن نیازهای مادی و معنوی، فقر اقتصادی، بیکاری، از هم گسیختگی، همه این مسائل موجب شده که خانواده کارکرد مناسب خودش را نتواند بدست آورد و آرامش، نظم، تعادل، سازگاری و وفاق اجتماعی در نهاد خانواده روبه کاهش باشد و این امر مشکلاتی برای خانواده به وجود آورده است.

همه پدیده‌های اجتماعی دارای علل و عوامل عینی، ملموس و کمی هستند در عین حال که از عوامل ذهنی، کیفی نیز برخوردارند، طلاق نیز چنین است. (ساروخانی)

### ضرورت بررسی مسأله

طلاق به عنوان یک مسأله اجتماعی در بین طبقات اجتماعی در شهر تهران بر ساختار خانواده تأثیر گذاشته و اثرات نامطلوب و بیشماری را بر جای نهاده و به صورت یک بحران اجتماعی در آمده است. افزایش روزافزون این پدیده، اهمیت و ضرورت مطالعه و بررسی این موضوع را بیان می‌نماید. تحقیق این پدیده در شرایط فعلی به دلیل افزایش بی‌رویه یک نیاز بنیادی جامعه است. زیرا رشد شتابان طلاق برحسب طبقه اجتماعی در شهر تهران موجب شده است؛ ثبات خانواده، همبستگی زن، شوهر و فرزندان، نظم و تعادل اجتماعی در نهاد خانواده به هم ریزد. آثار نامطلوبی از پدیده طلاق در جامعه وجود دارد که ضرورت و اهمیت پژوهشی این مسأله را بیان می‌نماید.

ضرورت پژوهش در این موضوع از نظر علمی، کمکی است به دانش بشری یا یاری رسانی به ادبیات پدیده طلاق که موجب توسعه علم و دانش در این زمینه می شود. زیرا علم دارای کارکردهای بیشماری است و علم ناشی از فعالیت تغییر آفرین انسانها است که طی آن انسانها به تغییر محیط اجتماعی و طبیعت پیرامون خود دست می یازند، جهان را دگرگون می کنند و با اندیشه، محتوای آن را قالبی نوین می بخشند. کاربری دست آوردهای این پژوهش، ارائه پیشنهادات لازم جهت پیشگیری از طلاق برای زندگی سالم، پیشگیری و یاری رساندن به خانواده های ناسازگار یک ضرورت علمی است.

پدیده طلاق در طبقات اجتماعی «شهر تهران» دارای علل و عوامل عینی، ملموس و کمی هستند. اما در عین حال از عوامل ذهنی و کیفی نیز برخوردارند. طلاق در طبقات اجتماعی و لایه هایی اجتماعی نیز چنین است.

### بیان هدف های تحقیق

هدف عمده این مطالعه و بررسی عبارت است از تحلیل، تبیین و تفسیر پدیده طلاق در بین طبقات اجتماعی در شهر تهران و ارائه راهکارها و پیشنهادهایی در کاهش و پیشگیری این پدیده.

#### هدف های اصلی

- ۱- مطالعه وضع موجود پدیده طلاق و تفاوت آن در بین طبقات اجتماعی در ایران.
- ۲- شناخت عوامل مؤثر در طلاق بر حسب طبقه اجتماعی در شهر تهران.
- ۳- شناخت و پیامدهای برخاسته از علت طلاق در سه طبقه اجتماعی. (بالا، متوسط، پایین)
- ۴- راهکارهای راهبری و کاربردی پدیده طلاق در طبقات اجتماعی.

#### هدف های فرعی

- ۱- مطالعه و بررسی علل و عوامل افزایش طلاق در سه طبقه اجتماعی بالا، متوسط و پائین.
- ۲- مقایسه علت و نسبت طلاق در طبقات اجتماعی.
- ۳- شناخت تفاوت های فرهنگی در طبقات اجتماعی.
- ۴- ارزیابی پدیده طلاق بر حسب طبقه اجتماعی.

### جامعه مورد مطالعه

جامعه مورد مطالعه عبارت است از طلاق‌هایی که در (طبقه بالا، متوسط و پائین) در شهر تهران رخ داده است.

### قلمرو موضوع مورد مطالعه از نظر بعد مکان

مکان مورد مطالعه شهر تهران می‌باشد.

### قلمرو زمانی موضوع مورد مطالعه

قلمرو زمانی موضوع مورد مطالعه تیر و مرداد سال ۱۳۸۱ خواهد بود.

### تنگناها و موانع تحقیق

هرچند بررسی‌هایی از این نوع پژوهش در جامعه ما بی سابقه نیست، اما موانع بسیاری همچنان در این راه وجود دارد.

عمده‌ترین موانع در این پژوهش عبارت بودند از:

- ۱- محدودیت منابع علمی درباره پدیده طلاق بر حسب طبقه اجتماعی.
  - ۲- پژوهش‌های انجام شده بیشتر در سطح کارشناسی می‌باشند. بنابراین در حد مطلوب قابل استفاده نیستند.
  - ۳- حاکمیت بوروکراسی و روابط سلسله مراتبی نامطلوب در مؤسسات دولتی، دسترسی به منابع موجود را دشوار ساخته است.
  - ۴- تحقیقات انجام شده بیشتر فرضیه آزمایی است، کمتر به سطح نظری تحقیق توجه شده است.
  - ۵- عدم همکاری مؤسسات در ارتباط با پدیده طلاق در سطح بسیار بالایی است.
  - ۶- عدم همکاری زنان و مردان طلاق گرفته بسیار بالاست.
- در ضمن تلاش گردید که تنگناها و موانع تحقیق به حد حداقل برسد، تا مشکلی به وجود نیاید.



### تدوین چهارچوب نظری تحقیق

همانگونه که از مرور گذاری نظریه‌های یاد شده بر می‌آید، هر نظریه‌ای از منظر خاصی به پدیده طلاق به عنوان یک مسئله اجتماعی در درون طبقات اجتماعی می‌نگرد. این واقعیت که تنها یک رویکرد نظری که بر کل این تحقیق مسلط باشد وجود ندارد و ممکن است این امر، نشانه‌ای از ضعف محقق باشد، زیرا رفتار انسانی، پیچیده و دارای جنبه‌های متعدد است و بسیار نامحتمل است که یک دیدگاه نظری برخاسته از زمان و مکان ویژه به تنهایی بتواند همه جنبه‌های پدیده طلاق را در طبقات اجتماعی در برگیرد، کار بسیار سختی است. گوناگونی در تفکر نظری منبعی غنی از اندیشه‌ها را فراهم می‌سازد که می‌توان از آن در این تحقیق استفاده کرد. البته به این نکته باید توجه داشت، برای اینکه محقق دچار سردرگمی نشود یک یا دو نظریه باید راهنمای محقق در کار او باشد تا هدایت تحقیق به راه صحیح خودش برود. از این روی در تحقیق حاضر کوشش شده است تا ضمن جمع‌بندی دیدگاه‌های مختلف، به تدوین نظریه‌ای ترکیبی مبادرت شود. آسیب‌های اجتماعی و از جمله طلاق در تحلیل نهایی به فرد باز می‌گردد و لذا هویت فردی در نحوه بروز و شکل آنها نقشی را به عهده دارد و به هر تقدیر تحلیل آنها با مراجعه به افراد ممکن است. اما فرد بریده از محیط پیرامون خود و ساختارهای فرهنگی در سطوح مختلف وجود خارجی ندارد. دیدگاهی قادر به تحلیل تحقیق حاضر یعنی طلاق در طبقات اجتماعی است که دائماً بین فرد و جمع و سطوح مختلف ساختار اجتماعی نوسان کند و در ارتباطی هماهنگ این سطوح را بنگرد، بر هر کدام درنگ نماید و بر اساس شرایط اجتماعی و فرهنگی جامعه و پدیده شهرنشینی بتواند چهارچوبی را طراحی نماید که بیانگر تحلیل این پدیده یعنی طلاق باشد. برای تبیین این پدیده چهارچوب زیر پیشنهاد می‌شود.

### سطح کلان

این سطح تحلیلی به ساختار جامعه ایران می‌پردازد و میزان آسیب‌زایی آن را مورد بحث قرار می‌دهد. آسیب‌زایی جوامع از شرایط و تحولات تاریخی آنها برمی‌خیزد که به فرد تحمیل می‌شود. برای مثال جامعه ایران از یک سو قرن‌ها دارای ساختار سیاسی استبدادی

بوده و بر محور مرد سالاری به حیات خود ادامه داده است. بسیاری از ناسازگاری‌های خانوادگی در تحلیل نهایی به تضاد بین مردسالاری سنتی و انعکاس شیوه‌های استبدادی در نظام خانوادگی از یک سو و دادن نقش‌های صوری به زن (در رابطه با تحولات جدید) از سوی دیگر باز می‌گردد.

شیوه‌های کهن در طول قرن‌ها مکانیسم‌های سازگار ساختن زنان با روش شوی گزینی و ادامه زندگی مشترک، چه خوب یا بد، را پدید آورده و زندگی زناشویی را به تعادل می‌رسانده‌اند، و این نقش را زنان جامعه سنتی پذیرفته بودند.

این شیوه نه براساس تحولات خودجوش درونی جامعه، که لازم است، بلکه با الگوبرداری عارتی، خاصه در نزد شهرنشینان و به ویژه طبقات مرفه و یا آثانی که بیشتر در معرض غربگرایی بوده‌اند از مکانیسم‌های سنتی خود بازمانده است، بدون آنکه تحول اجتماعی و فرهنگی مناسب را پدید آورد. چنین حالتی ناسازگاری‌های زناشویی خاصه برای قشرهای معینی را گریزناپذیر می‌سازد. گروهی از زنان نقش‌های سنتی خود را نمی‌پذیرند لیکن مردان نیز آماده پذیرش نقش‌های جدید همسران خود نیستند و اساساً نقش‌های جدید نیز از آنجا که از ارزش‌های جامعه نشأت نگرفته و با الگوبرداری از شیوه‌های جوامع مدرن و صنعتی، آن هم عارتی و تحمیلی به دست آمده، بنیان منطقی ندارند و قالب‌های واقعی در جامعه پدید نمی‌آورند. نمونه‌هایی از این دست بسیارند، و نشان می‌دهند که تنها شرایط اجتماعی عامل ناسازگاری و طلاق به حساب می‌آیند و افراد گرفتار آن می‌شوند.

می‌توان نتیجه گرفت به دلیل تغییر ساختار اقتصادی، اجتماعی جامعه شهری خانواده دچار یک دگرگونی اساسی شده است. ساختار جامعه و پویای تاریخی و ارزش‌های حاکم بر آن، چه افراد بخواهند یا نخواهند می‌تواند باعث افزایش طلاق گردد، و به فروپاشی خانواده منجر شود ساخت‌های اقتصادی، اجتماعی بر نظام خانواده اثر می‌گذارد علاوه بر ساخت‌های اجتماعی، در سطح میانه نهادها، مؤسسات اجتماعی و روابط متقابل اجتماعی می‌تواند بر ساختار خانواده تأثیر داشته باشد.

### سطح خرد

در سطح خرد، افراد متقاضی طلاق مطرح می‌شوند و ویژگی‌های فردی، کنش‌ها و روابط متقابل نمادی مورد مذاقه قرار می‌گیرد. سطح خرد در واقع سطح بروز واقعیت طلاق است و نقطه شروع تحقیق طلاق در طبقات اجتماعی در شهر تهران می‌باشد.

به نظر آنتونی گیدنز هر تحقیقی در علوم اجتماعی باکنش یا ساخت سروکار دارد (ریترز، ۱۳۷۶، ص ۶۰۰)، گیدنز در تحلیل جامعه‌شناسی خرد و جامعه‌شناسی کلان اعتقاد دارد که ترکیب خرد و کلان می‌تواند برای جامعه‌شناسی مفید باشد. توجه به تعامل افراد، کنش متقابل نمادین، فاصله نقش‌ها و مفاهیم خود، و انواع خود در جامعه‌شناسی خرد از مفاهیم اساسی می‌باشد. نگاه به فشارهای ساختاری، بی‌هنجاری، از خودبیگانگی و عوارض ناشی از تقسیم کار در جامعه مدرن در جامعه‌شناسی کلان از مفاهیم عمده هستند. دگرگونی و تغییرات اجتماعی مربوط به ساخت هستند. پدیده طلاق در طبقات اجتماعی با توجه به شرایط اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و مردم‌شناسی می‌تواند از دو بعد جامعه‌شناسی کلان و جامعه‌شناسی خرد مورد ارزیابی قرار گیرد. دو نظریه عوارض ناشی از تقسیم کار در جامعه مدرن شهری و کنش متقابل نمادی برای تبیین پدیده طلاق در طبقات اجتماعی مورد استفاده واقع می‌شود.

با توجه به عوارض ناشی از تقسیم کار در جامعه مدرن و شهری، انسان‌ها دچار بی‌هنجاری اجتماعی می‌گردند، دورکیم معتقد است که سیر دگرگونی جوامع در جهت تقسیم‌های روزافزون و در نتیجه تفکیک هرچه بیشتر نقش‌های اجتماعی است، فرآیندهای دگرگونی در جامعه شهری آنچنان سریع و دارای رشد شتابان است که موجب مشکلات اجتماعی عمده‌ای می‌گردد، این امر موجب تعارض نقش‌ها می‌گردد. دورکیم در بخش پایان تقسیم کار اجتماعی خود به موضوع بسیار مهم اشکال غیرعادی تقسیم کار توجه نموده است، زیرا در مرحله گذار همبستگی مکانیکی به همبستگی اورگانیکی تبدیل شده، جامعه و خانواده دچار مشکل می‌شود و بی‌هنجاری و تعارض نقش‌ها به وجود می‌آید. در چنین شرایطی انسان تحت سلطه جامعه می‌باشد.

دورکیم معتقد است که سیر دگرگونی جوامع در جهت تقسیم کار روزافزون و در نتیجه تفکیک هرچه بیشتر نقش‌های اجتماعی است. هدف تقسیم کار پیدا کردن قابلیت زندگی در شرایط تازه‌ای که برای ما ایجاد گردیده می‌باشد. در جوامع شهری و مدرن انسان‌ها در قالب‌های محدود شده‌ای محاطند، و فعالیت آنها از طریق تخصص‌ها، هدف‌های اجتماعی را دنبال می‌کنند. نکته‌ای که باید در تحقیق به آن توجه شود، عوارض ناشی از تقسیم کاری است که مرحله طبیعی خویش را طی نکرده، انسان‌ها در جامعه، احساس از خودبیگانگی می‌کنند، بیگانه نسبت به خود، بیگانه نسبت به دیگران. در مرحله گذار از همبستگی مکانیکی به همبستگی اورگانیکی در ساختار خانواده تغییراتی به وجود می‌آید، انسان‌ها احساس ناچیزی و کم اهمیت بودن می‌کنند. یکی از عوارض ناشی از تقسیم کار در مرحله گذار کاهش وجدان جمعی است. و این می‌تواند بر پدیده طلاق در طبقات اجتماعی در شهر تهران مؤثر باشد.

در جامعه سنتی به دلیل اخلاق مشترک نیرومند (وجدان جمعی) انسان‌ها به یکدیگر نزدیک هستند، باورهای مشترک در آنها یک همبستگی اجتماعی به وجود می‌آورد اما در جوامع مدرن و شهری، تقسیم اجتماعی کار پیچیده است و به همین دلیل انسان‌ها به یکدیگر وابسته می‌شوند. اما دورکیم معتقد بود این تقسیم کار نوین آسیب‌های اجتماعی گوناگونی را به اجتماع تحمیل خواهد نمود؛ سست شدن اخلاق مشترک و عوارض ناشی از تقسیم کار موجب تعارض نقش‌ها در جامعه شهری می‌گردد. گسترش پدیده طلاق در طبقات اجتماعی در جامعه مدرن به دلیل سست شدن باورهای مشترک و عوارض ناشی از تقسیم کار اجتماعی می‌باشد که انسان‌ها احساس تنهایی می‌کنند و دچار فاصله نقش‌ها می‌شوند. نقش همسر در جامعه سنتی و جامعه مدرن تفاوت‌های بسیاری دارد، نقش‌های محول و نقش‌های جدید در جامعه مدرن تفاوت‌های بسیاری دارد، نقش‌های محول و نقش‌های جدید در جامعه مدرن موجب تعارض نقش‌ها شده است.

دورکیم معتقد است تقسیم کار از هر یک از ما وجودی ناکامل به بار می‌آورد که نیازمند وجود دیگری است و بنابراین ممکن است شخصیت فردی ما را کاهش دهد. این ایرادی

است که اغلب به تقسیم کار گرفته‌اند.

هنگامی که انسان هدف معینی بیرون از وجود خویش نداشته باشد، علاقه‌ای به چیزی نشان نخواهد داد و نمی‌تواند از قید خود پرستی کم و بیش تلطیف شده خویش رهایی یابد. اما، آن کس که همه هستی خود را به وظیفه‌ای معین اختصاص می‌دهد برعکس، با هزاران رشته پیوند که ناشی از وظایف اخلاق حرفه‌ای اوست، هر لحظه نگران احساس همبستگی خویش با دیگران است. وظیفه و نقش انسان‌ها در زندگی مشترک به خاطر همبستگی خویش با دیگران می‌باشد. علت طلاق در طبقات اجتماعی به خاطر کاهش همبستگی و تعارض در نقشی است که به او محول شده و در این نقش زن احساس بی‌هدفی می‌کند.

دورکیم در بخش نتیجه‌گیری کتاب تقسیم‌کار (صور نابهنجار) اعتقاد دارد آنچه ما در این کتاب گفتیم می‌تواند ما را در درک ماهیت و علل این حالت بیمارگونه (بی‌کار کردی تقسیم کار در شرایط پیچیده اجتماعی) یاری کند.

در مدت بسیار کوتاهی، تغییرات عمیقی در ساخت جوامع ما پدید آمده است. این جوامع با سرعت و به نسبتی که در تاریخ سابقه ندارد رها شده است و تعارض در نقش‌ها به وجود آمده است و در نتیجه اخلاق مشترکی که در جامعه موجب انسجام می‌گردید مناسب بوده رویه انحطاط نهاده بی‌آنکه اخلاق مناسب دیگر بتواند با سرعتی که لازم است توسعه یابد و جای خالی اخلاق نخست در وجدان جمعی را پرکند. ایمان ما به لرزه در آمده است، سنت و باورهای اخلاقی چیرگی و سیطره خویش را کاهش داده است و نیروی قضاوت افراد از سلطه وجدان جمعی رها شده است.

اما، از سوی دیگر، نقش‌هایی که در طی این نابسامانی و آشفتگی و بحران از هم جدا شده‌اند، (عوارض ناشی از تقسیم کار در همبستگی اورگانیکی) هنوز فرصت نیافته‌اند که با یکدیگر همساز و هماهنگ شوند و زندگی جدید که گویی ناگهان و یک شبه پیدا شده است، هنوز نتوانسته به طور کامل نظم بیابد و به ویژه چنان نظم نیافته که قادر باشد، عطش عدالتی را که اکنون در درون ما سوزان‌تر شده فرو بنشانند. حال که چنین است، درمان این درد این نیست که همان سنت‌ها و اعمالی را که بر اثر ناسازگاری با شرایط اجتماعی زندگی

کنونی فقط به صورت مصنوعی می‌توانستند بر سرپا باشد، دوباره سرپا نگاه داریم. پس باید کاری کرد، این است که این نابسامانی را از میان برداریم و راهی بیابیم که اندام‌های اجتماعی موجود، که هنوز حرکاتشان با یکدیگر هماهنگ نشده است، به نحوی با هم سازگار و هماهنگ گردند. و با کاهش یافتن هرچه بیشتر نابرابری‌های خارجی، که سرچشمه شرنده، عدالت و انصاف بیشتری در روابط مابین این اندام‌ها به وجود آید. پس، درد ما، برخلاف آنچه گاه تصویر می‌رود، درد فکری نیست، بلکه علل عمیق‌تری دارد. ما از آن جهت دچار رنج نیستیم که نمی‌دانیم مبنای نظری اخلاقی که تاکنون به کار می‌بسته‌ایم چه باید باشد. بلکه رنج ما از این است که پایه‌های این اخلاق در برخی از اجزاء خویش به لرزه درآمده در حالیکه اخلاق دیگری که ما بدان نیاز داریم هنوز شکل نگرفته است و این امر موجب عوارض ناشی از تقسیم کار گردیده است. در جامعه ساده یا انسجام مکانیکی، روابط اجتماعی، باورها و اخلاق مشترک موجب به هم پیوستگی اجتماعی می‌شود، نقش‌های افراد تعریف شده، و زنان نسبت به نقشی که به آنان محول شده وظیفه‌شناسند و همین که جامعه در حال گذار باشد روابط به گونه‌ای دیگر است و بی‌هنجاری شکل می‌گیرد. کارکردهای تقسیم کار دچار خلل می‌گردد.

برای اینکه جامعه پیچیده امروز به تعادل و انسجام برسد می‌بایست تقسیم کار دارای کارکرد مناسب باشد. تقسیم کار به هر شیوه‌ای که باشد برای ایجاد همبستگی مابین افراد، کافی است که همبستگی اورگانیکی روال طبیعی خویش را طی کرده باشد و تقسیم کار جایگزین وجدان جمعی گردد. زیرا نخستین وظیفه ما پدید آوردن یک اخلاق (دورکیم، ۱۳۶۹، ص ۴۳۶) است، چنین چیزی را نمی‌توان یک شبه در سکوت پشت میز کشف کرد. این اخلاق باید بتدریج و در یک شرایط اجتماعی متعادل به وجود آید، اما در همبستگی اورگانیکی دو مشکل عمده را باید در نظر گرفت:

- در جامعه جدید، افراد دیگر از قماش هم نیستند و هر کس به درد کار خودش می‌خورد.
  - در جامعه جدید که همبستگی اورگانیکی در آن مسلط است نابسامانی را هم در بردارد.
- علل طلاق در طبقات اجتماعی با ساخت و دگرگونی جامعه رابطه‌ای نزدیک دارد. در

جامعه مدرن، خصوصاً در شهر تهران به دلیل تقسیم کار روز افزون و همبستگی اورگانیکی، انسان‌ها جدا از یکدیگر و بدون راهنمای اخلاقی به زندگی خویش ادامه می‌دهند و این امر علاوه بر بی‌هنجاری اجتماعی، تعارض در نقش‌های اجتماعی را به وجود می‌آورد زیرا جامعه انسان‌ها را وامی‌دارد که میان بسیاری از نقش‌های پیچیده به دلیل تقسیم کار اجتماعی نوسان داشته باشند، و زنان در ادامه زندگی دچار تعارض و فاصله نقش‌ها می‌گردند. دختران در خانه همسرانشان از عهده نقش‌های جدید بر نمی‌آیند و دستخوش مشکلات بیشمار می‌گردند. در جامعه مدرن فاصله نقش‌ها می‌تواند یکی از عوامل مؤثر در طلاق بر حسب طبقه اجتماعی باشد.

تعارض نقش‌ها و فاصله نقش‌ها می‌تواند یکی از دلایل پدیده طلاق باشد. در این پژوهش از نظریه ساخت‌یابی آنتونی گیدنز برای طراحی چارچوب نظری استفاده شد، در بعد جامعه‌شناسی کلان از نظریه تقسیم کار و عوارض ناشی از آن و نظریه کنش متقابل نمادی استفاده شده و به تدوین پرسش‌های تحقیق و فرضیه‌ها دسترسی خواهیم یافت.

با توجه به اینکه پژوهش حاضر در صدد است پدیده طلاق را بر حسب طبقه اجتماعی در شهر تهران مورد تبیین قرار دهد و همانطور که بیان شد در دو بعد جامعه‌شناسی کلان و جامعه‌شناسی خرد مورد مطالعه قرار دهد. در سطح کلان توجه به برهم خوردن ساختاری اقتصادی و اجتماعی بسیار مهم است. طلاق به عنوان یک پدیده اجتماعی معلول علل متعدد می‌باشد. مثلاً وقوع طلاق معلول قشر مالی و یا ناسازگاری و یا... میان افراد و خانواده‌ها باشد. از دیدگاه جامعه‌شناسی کلان می‌توان گفت یکی از عوامل گسترش طلاق در ایران خصوصاً شهر تهران برهم خوردن ساختاری اقتصادی و اجتماعی است، و این امر موجب دگرگونی اجتماعی می‌گردد. زیرا بسیاری از بخش‌های سنتی دستخوش دگرگونی، جابه‌جایی، بی‌ثباتی و تزلزل شده‌اند. توسعه شهر نشینی، تحول طبقاتی، پیدایش مشاغل جدید، اشکال جدید تقسیم کار اجتماعی و تقاضا برای زندگی مدرن موجب سست شدن اخلاق مشترک در جامعه شده است.

نکته‌ای که در این پژوهش بسیار مهم است مسائل ناشی از توسعه شهرنشینی است که موجب شد نیازهای مادی و معنوی افراد تغییر نماید یا ورود انسان‌های مختلف کشور به شهر تهران که دارای خرده فرهنگ‌های مختلف می‌باشند موجب شده تا ازدواج‌هایی انجام گیرد که مشکلاتی را در پی داشته باشد، زیرا اینان توافق لازم را برای ادامه زندگی ندارند. به دنبال عدم توافق، ناسازگاری و تضاد و یا به عبارت بهتر آنومی به معنای بی‌قاعدگی میان شهر نشینان به وجود می‌آید. در سطح خرد متوجه ذهنیت افراد می‌شویم که این امر موجب تغییر نقش‌های محول و تضاد نقش‌ها در ساختار خانواده می‌گردد. می‌توان نتیجه گرفت پدیده طلاق بر حسب طبقه اجتماعی در دو سطح کلان و خرد مورد مطالعه و بررسی قرار می‌گیرد و همانطور که بیان شد از تئوری ساخت‌یابی آتوننی گیدنز می‌توان استفاده نمود.

### تدوین پرسش‌های تحقیق

پس از بیان مسأله، نقد و ارزیابی نظریه‌های مرتبط با موضوع و بیان چهار چوب نظری، باید پرسش اساسی این تحقیق مطرح شود، که این تحقیق در جستجوی چه سؤالاتی است.

مهم‌ترین پرسش‌های این تحقیق عبارتند از:

طلاق به عنوان یک مسأله اجتماعی:

الف: به چه دلایلی رخ می‌دهد؟

ب: آیا دلایل وقوع طلاق با طبقه اجتماعی رابطه‌ای دارد؟

ج: آیا دلایل وقوع طلاق در شهر تهران به خاطر عوارض ناشی از تقسیم کار اجتماعی است؟

و: آیا افزایش طلاق در بین اعضای طبقات جامعه به یک نسبت است؟

ه: آیا دلایل وقوع طلاق در طبقات اجتماعی به دلیل تعارض و فاصله نقش‌ها است؟

### تدوین فرضیه‌ها

در تحقیق علمی، فرضیه‌ها محقق را متوجه می‌کند که در جستجوی معرفت نظام یافته باید به دنبال چه چیزهایی بگردد. فرضیه راهنمای تحقیق است.



فرضیه می‌تواند به عنوان ابزار کار محقق باشد. برای تبیین پدیده‌های اجتماعی فرضیه به محقق کمک می‌کند تا در جستجوی علت پدیده‌های اجتماعی باشد.

فرضیه ابزاری است برای رسیدن به واقعیت‌های اجتماعی، در این تحقیق محقق با بیان فرضیه، امیال و خواسته‌های خود را کنترل می‌کند. هر فرضیه‌ای متشکل از چند مفهوم است و روابط مفاهیم را مشخص می‌کند. مفاهیم فرضیه باید تعریف شود تا تبدیل به متغیر گردند. و رابطه علی متغیر مستقل و وابسته مشخص می‌گردد.

### فرضیه‌ها

- ۱- طلاق در طبقه اجتماعی بالا، بیشتر حاصل مشکلات روانی، اجتماعی ناشی از تحرک طبقاتی زوجین است.
- ۲- طلاق در طبقه اجتماعی بالا، بیشتر ناشی از شرایط آنومیک است.
- ۳- طلاق در طبقه اجتماعی متوسط، بیشتر ناشی از تعارض نقش‌ها است.
- ۴- طلاق در طبقه اجتماعی متوسط، بیشتر ناشی از تفاوت‌های فرهنگی است.
- ۵- طلاق در طبقه اجتماعی پائین، بیشتر ناشی از عدم توانایی مخارج زندگی است.
- ۶- طلاق در طبقه اجتماعی پائین، بیشتر ناشی از فاصله نقش‌ها است.
- ۷- طلاق در هر سه طبقه اجتماعی بیشتر ناشی از تضاد ارزش‌های فرهنگی است.
- ۸- طلاق در هر سه طبقه اجتماعی بیشتر ناشی از سبک زندگی است.

در جامعه پیچیده شهری، نیمه صنعتی، چون تقسیم کار در همبستگی اورگانیکی سیر طبیعی خودش را طی نکرده، نقش‌های اجتماعی افراد دچار تعارض شده است. انسان‌ها جدا از یکدیگر و بدون راهنمای اخلاقی به زندگی خویش ادامه می‌دهند. نسبت به خود و جامعه و خانواده خویش بیگانه می‌شوند. بیگانگی نسبت به خود مسائل متعددی را در پی خواهد داشت. در چنین شرایط تقسیم کار اجتماعی دچار نوسان شده است، انسان‌ها دچار تعارض نقش می‌شوند. در طبقه بالای اجتماعی به دلیل تحرک اجتماعی، مشکلات روانی و اجتماعی، خانواده را دچار مشکل کرده است و شرایط بی‌هنجاری بر زندگی آنان

حاکم می‌شود. بدون توجه به ساختارهای اجتماعی، پدیده طلاق در طبقات اجتماعی مورد تحلیل واقع نمی‌شود. دگرگونی در ساختار جامعه و خانواده شرایط نامطلوبی را بر زندگی افراد تحمیل می‌کند و این امر موجب تعارض ارزش‌های فرهنگی می‌گردد.

در طبقه متوسط اجتماعی علاوه بر تفاوت‌های فرهنگی که می‌تواند موجب مسائل بیشماری برای خانواده گردد، تعارض نقش‌های اجتماعی می‌بایست مورد مطالعه میدانی واقع شود زیرا به دلیل تغییر در همبستگی مکانیکی به همبستگی اورگانیکی زنان پذیرای نقش‌های جدید و مدرن شده‌اند لیک همسران آنان آماده پذیرای این نقش‌ها نیستند و این امر در طبقه متوسط زمینه طلاق و ناسازگاری را فراهم آورده است.

نکته‌ای که باید مورد توجه قرار گیرد. در طبقه اجتماعی پائین علاوه بر مسائل اقتصادی تغییرات وسیعی در سبک زندگی آنان به وجود آمده است و این دگرگونی در شیوه‌های زندگی موجب تضاد ارزش‌های فرهنگی و فاصله نقش‌ها شده است. پدیده طلاق در طبقات اجتماعی علاوه بر سطح کلان می‌بایست در سطح میانه مورد مطالعه قرار گیرد تا متغیرهای وابسته، فرضیه آزمایی گردد.

### الگوی نظری

همانطور که در چهارچوب نظری این پژوهش بیان شد، در هر پژوهش در علوم اجتماعی می‌بایست به ساخت و کنش توجه شود. تحلیل ساختارها و تعامل افراد در این تحقیق موجب می‌شود تا پدیده طلاق برحسب طبقه اجتماعی از دو منظر جامعه‌شناسی کلان و خرد مورد ارزیابی قرار گیرد. سیر تغییرات اجتماعی در جامعه، به دلیل تقسیم روزافزون کار است. این تقسیم کار در جوامع شهری و پیچیده دارای عوارض مختلف می‌باشد: مانند تغییر نقش‌های اجتماعی، تضاد ارزش‌های فرهنگی و دگرگونی در سبک زندگی، زیرا در جامعه شهری از مرحله همبستگی مکانیکی به همبستگی اورگانیکی، خانواده دچار بحران می‌شود، از خود بیگانگی به دلیل عوارض ناشی از تقسیم کار است که سیر طبیعی خود را طی نکرده است. یکی از عوارض ناشی از تقسیم کار تعارض نقش‌های اجتماعی می‌باشد.

تقسیم کار نوین، آسیب‌های مختلفی را به جامعه و افراد تحمیل نموده است. یکی از این آسیب‌ها، سست شدن اخلاق مشترک و تعارض نقش‌ها می‌باشد. در پدیده طلاق بر حسب طبقه اجتماعی، زنان علاوه بر احساس از خود بیگانگی و بی‌هنجاری درگیر فاصله نقش‌ها می‌شوند. در جامعه ساده یا همبستگی مکانیکی انسان‌ها براساس باورها و قراردادهای اجتماعی به یکدیگر نزدیک می‌شوند، یعنی وجدان جمعی بر زندگی افراد مسلط است. اما در جامعه پیچیده یا همبستگی اورگانیکی اگر تقسیم کار سیر طبیعی خودش را طی نکند، انسان‌ها نسبت به یکدیگر بیگانه می‌شوند، در این شرایط باورهای اخلاقی کاهش می‌یابد و نقش‌هایی که در این بی‌هنجاری شکل می‌گیرد، نظم را در درون ساختار خانواده به هم می‌ریزد، و یا به دنبال راه حل‌های مناسب برای وجدان جمعی جدید باشیم. زیرا سست شدن باورهای اخلاقی جامعه را دچار بی‌هنجاری‌های مختلف از جمله طلاق در طبقات اجتماعی می‌نماید.

### مبانی روش‌شناسی<sup>(۱)</sup> طرح

یکی از موضوع‌های عمده‌ای که باید در روش‌شناسی تحقیق مورد نظر قرار گیرد، چگونگی و چرایی تحلیل و تبیین رابطه علت و معلولی بین پدیده‌های اجتماعی با رابطه علی بین دو پدیده یا وضعیت رابطه‌ای است که در آن متغیر مستقل موجب پیدایش متغیر وابسته می‌گردد. از دیدگاه جامعه‌شناسی همه رویدادها دارای عللی هستند، هیچ پدیده‌ای بی‌جهت و یا بدون دلیل اتفاق نمی‌افتد، یکی از وظایف اصلی پژوهش جامعه‌شناسی همراه با تفکر نظری تشخیص علت و معلول است. تفکر نظری در تحقیقات علمی بسیار با اهمیت می‌باشد، در تحقیق علمی مبدأ و مقصد سطوح نظری است. تحقیق علمی از فکر آغاز می‌شود و به فکر باز می‌گردد. هر تحقیق علمی در واقع، کوششی است برای اصلاح، تقویت یا ابطال تصورات سنجیده محقق، راجع به دنیا و روابط موجود بین پدیده‌های آن. به تعبیر دیگر، در تحقیق علمی سطح نظری، فکر و اندیشه اصالت دارد، زیرا در سطح نظری سؤال

1. Methodology

علمی وجود دارد، و سؤال علمی از دانش علمی نشأت می‌گیرد. در تحقیق علمی، سؤال آغازین محقق که نشأت گرفته از داشتن علمی است با رجوع برنامه‌ریزی شده به دانش علمی اندوخته مرتبط با سؤال (یعنی تئوری‌ها و تحقیقات پیشین) باید صورتبندی شود و به فرضیه، فرضیه‌ها یا مدل‌های آزمودنی مبدل گردد. این مرحله از تحقیق علمی، ممکن است وقت‌گیر و اندیشه‌بر باشد، ولی مرحله‌ای است که باید با موفقیت پشت سر گذاشته شود. پس از موفقیت در این مرحله است که می‌توان گفت: قدمی بلند در راه حل مسأله برداشته شده است.

روش‌های مختلفی در جامعه‌شناسی وجود دارد، اما چهار روش اصلی که در پژوهش‌های جامعه‌شناسی به کار برده می‌شوند عبارتند از پیمایشی، مطالعات میدانی، روش اسنادی و آزمایشی، البته روش‌های دیگر مانند مقایسه در تحقیقات اجتماعی مورد استفاده قرار می‌گیرد.

### یافته‌های تحقیق

سیر دگرگونی اجتماعی، فرهنگی، سیاسی و اقتصادی در ایران در جهت تقسیم کار موجب تفکیک هرچه بیشتر نقش‌های اجتماعی گردیده است. افزایش پدیده طلاق در طبقات اجتماعی در شهر تهران، به دلیل سست شدن هنجارهای اجتماعی و اخلاقیات مشترک می‌باشد. این امر به دلیل کاهش شخصیت فردی می‌باشد. زیرا نقش‌هایی که در طی نابسامانی و آشفتگی و بحران از هم جدا شده‌اند، هنوز فرصت نیافته‌اند که با یکدیگر همساز و هماهنگ شوند.

توسعه شهرهای بزرگ و حاشیه‌نشینی، تحول طبقاتی، پیدایش مشاغل جدید، اشکال جدید تقسیم کار اجتماعی، تقاضا برای زندگی مدرن در شهرها موجب سست شدن اخلاق مشترک در جامعه شده است.

مسائل و مشکلات تحرک طبقاتی در جامعه شهری برای طبقات اجتماعی اثرات منفی به بار می‌آورد، و نقش‌های محول را دستخوش تغییراتی می‌نماید، به دلیل افزایش نیازهای

مادی و معنوی و عدم دسترسی به آنان موجب به هم خوردن تعادل اجتماعی خانواده شهری می‌گردد. و این امر می‌تواند تعداد دادخواست‌های طلاق و احکام طلاق را در طبقات اجتماعی در شهر تهران افزایش دهد.

با توجه به اینکه شرایطی به فرد تحمیل می‌شود و فرد در دست جامعه اسیر است، و جامعه بر فرد تسلط دارد، می‌توان نتیجه گرفت، که پدیده طلاق در طبقات اجتماعی می‌بایست در سطح جامعه‌شناسی کلان تبیین گردد. زیرا رابطه‌ای مستقیم بین نوسانات و نابسامانی‌های اجتماعی و نابسامانی‌های فردی وجود دارد که پدیده طلاق در طبقات اجتماعی در شهر تهران هم از نظر جامعه‌شناسی خرد و هم جامعه‌شناسی کلان مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرد تا علت این پدیده مشخص گردد.

از بین ۴۵۰ نفر از زنانی که حکم طلاق آنان صادر شده است و در سه طبقه اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته‌اند به طور مساوی برای هر طبقه اجتماعی ۱۵۰ نفر مورد مصاحبه شده است. ۱۰٪ کل پاسخگویان سن آنان کمتر از ۲۵ سال بوده و ۲/۱۲٪ آنان دارای سن ۴۶ سال و بیشتر بوده‌اند. از نظر محل تولد پاسخگویان طبقه پائین ۳/۶۱٪ در شهر تهران متولد شده‌اند و طبقه متوسط ۴۴٪ در شهر تهران متولد شده بودند و ۳/۵۵٪ از افراد پاسخگو از طبقه بالا در تهران متولد شده بودند. از نظر سال‌های ازدواج پاسخگویان ۲۵۴ نفر یعنی ۵/۶۶٪ بین ۱ تا ۱۰ سال زندگی مشترک داشته‌اند و سپس از یکدیگر جدا شده‌اند و ۹۲ نفر در طبقه پائین بین ۱ تا ۱۰ سال زندگی کرده‌اند و سن همسر پاسخگویان کمتر از ۲۵ سال در طبقه اجتماعی پائین ۲۴ نفر یعنی ۱۶٪ و در طبقه متوسط ۸ نفر یعنی ۳/۵٪ و در طبقه بالا ۱ نفر یعنی ۷/۰٪ می‌باشد. ۷۳ نفر یعنی ۷/۴۸٪ پاسخگویان در طبقه پائین در اولین سال زندگی مشترک با یکدیگر اختلاف داشته‌اند و این امر در طبقه متوسط در اولین سال زندگی مشترک به ۵۲ نفر یعنی ۷/۳۴٪ می‌باشد و در طبقه بالا در اولین سال زندگی به تعداد ۷۰ نفر یعنی ۷/۴۶٪ می‌رسد.

نکته بسیار مهم این است بین سال زندگی و طبقه اجتماعی پاسخگویان رابطه وجود دارد. درباره نحوه آشنایی و شیوه همسرگزینی بیشترین فراوانی در کل ۴۵۰ نفر یعنی

۵۶/۷٪ مربوط به خواستگاری بوده و کمترین مربوط به محیط کار ۳۸ نفر یعنی ۸/۴٪ که این نشان می‌دهد عدم شناخت کافی در انتخاب همسر می‌تواند مسائل و مشکلاتی را برای زنان فراهم نماید. روش خواستگاری و معرفی اقوام و آشنایان در این مطالعه دارای کارکردهای نامناسب برای ساختار خانواده بود، آشنایی می‌تواند دارای کارکردهای مناسب برای همسران باشد زیرا با شناخت دقیق‌تری ازدواج می‌نماید.

نکته بسیار مهم این است در هر سه طبقه اجتماعی که مورد مطالعه قرار گرفته است شیوه همسرگزینی از همان رسم خواستگاری و معرفی اقوام می‌باشد و هنوز به عنوان یک راه و رسم اصلی در شیوه انتخاب همسر در جامعه ما متداول است.

علت تقاضای طلاق در بین پاسخگویان به چهار مقوله علل فردی، علل اقتصادی، علل اجتماعی و علل فرهنگی تقسیم شده است. علل فردی با فراوانی ۸۳ نفر یعنی ۱۸۴٪ و علل اقتصادی ۴۷ نفر با ۱۰/۴٪، علل اجتماعی ۲۶۶ نفر با ۵۹/۱٪ و علل فرهنگی ۵۴ نفر یعنی ۱۲٪ می‌باشد. علت طلاق بر حسب بیان پاسخگویان در طبقه اجتماعی پائین بیشترین فراوانی مربوط به خرجی ندادن با ۴۷ نفر یعنی ۳۱/۳٪ می‌باشد و در طبقه متوسط هم تفاوت‌های فرهنگی بالاترین درصد را دارا می‌باشد و در طبقه بالا عدم تفاهم و توافق اخلاقی ۶۱ نفر یعنی ۴۰/۷٪ می‌باشد. از نظر میزان سواد پاسخگویان در طبقه اجتماعی پایین ۵۱/۳٪ زیر دیپلم می‌باشد و ۴۷/۳٪ دارای دیپلم هستند. در طبقه متوسط ۱۴٪ دارای مدارک دیپلم و در طبقه بالا ۲۵/۶٪ مدرک دیپلم دارند. در طبقه اجتماعی پائین ۴ نفر بی‌سواد یعنی ۲/۷٪ و در طبقه بالا ۵ نفر دارای درجه دکتری و بالاتر یعنی ۱/۱٪ می‌باشند. میزان تحصیلات همسر پاسخگویان در طبقه اجتماعی پائین ۱ نفر بی‌سواد یعنی ۰/۷٪ و در طبقه بالا تحصیلات همسر پاسخگویان در سطح دکتری و بالاتر ۱۱ نفر یعنی ۷/۳٪ می‌باشد. طبقه متوسط اجتماعی بیشتر دارای مدارک دیپلم و بالاتر هستند. تعداد ۱۸۲ نفر یعنی ۴۰/۵٪ پاسخگویان درآمدشان بین ۵۰ تا ۱۵۰ هزار تومان است و ۲/۹ درصد پاسخگویان درآمد زیر ۵۰ هزار تومان و ۱/۶ درصد پاسخگویان درآمد زیر ۵۰ هزار تومان و ۱/۶ درصد پاسخگویان درآمد بالای ۵۰۰ هزار تومان دارند.

برای اینکه بتوان به خصوصیات خلقی پاسخگویان پی برد، خصوصیات خلقی به پنج مقوله طبقه‌بندی شده است، جالب اینکه پاسخگویان در هر سه طبقه اجتماعی اعتقاد داشتند که افرادی آرام می‌باشند. پاسخگویان در طبقه پائین ۵۴/۷٪ و در طبقه متوسط ۵۰/۷٪ و در طبقه بالا ۶۰٪ اظهار داشته‌اند که افرادی آرام هستند، شاید بتوان گفت بیشتر به خاطر کنش غیر عقلایی‌شان باشد و بیشتر درصدد توجیه رفتارهای خود بوده‌اند. و فقط ۹/۳٪ پاسخگویان در طبقه پائین بر این باورند که پرخاشگر هستند. ۲۹/۳٪ پاسخگویان طبقه متوسط پرخاشگر می‌باشند و در طبقه بالا ۱۴٪ اظهار نموده‌اند که پرخاشگر می‌باشند. نکته بسیار مهم این است که می‌بایست به اظهار نظر پاسخگویان درباره خودشان با دقت بیشتری تعمق شود زیرا امکان دارد که تابع احساسات خود باشند، منطقی جلوه دادن افراد در رفتارهای اجتماعی قابل درک و تفسیر می‌باشد و این کار نیاز به دقت بیشتری دارد.

نکته بسیار مهم این است که در ارتباط با سؤال وضع اقتصادی بعد ازدواج، پاسخگویان در هر سه طبقه اجتماعی بر این باور بودند وضع اقتصادی آنان چندان فرقی نکرده و معمولی بوده است فقط پاسخگویان در طبقه بالا ۲۱/۳٪ عنوان نموده‌اند که وضع اقتصادی آنان بهتر شده است و پاسخگویان طبقه پائین ۹/۳٪ گفته‌اند بهتر شده است.

در ارتباط با سؤال برآورده شدن نیازهای زندگی، یکی از مباحث مهم نیازهای زندگی و برآورده شدن آن در جامعه شهری خصوصاً شهر تهران این است که نیازها به سختی برآورده می‌شود. جامعه شهری دارای روابط بسیار پیچیده‌ای است که برآورده شدن نیاز بستگی به آن دارد که انسان در چه طبقه‌ای زندگی می‌کند و با توجه به اینکه مقدار ضریب کندال منفی است هرچه نیازهای طبقه بالا برآورده می‌شود امکان برآورده شدن نیازهای تاو کمتر می‌شود.

در ارتباط با طبقه اجتماعی پاسخگویان و احساس تنهایی آنان، زنان در طبقه پائین ۳۲/۷٪ زیاد و ۲۴٪ بسیار زیاد بیشتر از زنان دیگر طبقات اجتماعی احساس تنهایی می‌کنند. زنان طبقه پائین بیشتر تحت تأثیر فرهنگ جامعه در مورد زنان مطلقه می‌باشند و به دلیل نداشتن تحصیلات، شغل مناسب و درآمد بالا بیشتر دچار مشکل هستند. عدم

احساس امنیت اجتماعی و عدم تعلق خاطر در این زنان بیش از سایرین است. خواسته‌ها و آرزوها در شهر تهران به سختی برآورده می‌شود، اکثر پاسخگویان در هر سه طبقه اجتماعی اعتقاد دارند که خواسته و آرزوها در شهر تهران به سختی برآورده می‌شود. بیشترین درصد مربوط به طبقه متوسط است که ۸۰٪ پاسخگویان بر این باور بودند و موافق هستند که در شهر تهران نیازها و خواسته به سختی برآورده می‌شود، زیرا زندگی در جامعه شهری و شهری چون تهران، برای افراد کم درآمد بسیار سخت است.

نقش واژه‌ها در ایجاد ارتباط با یکدیگر: چگونه کلمات موجب نزدیکی افراد با یکدیگر می‌شود؟ واژه‌ها می‌توانند هم‌حسی به وجود آورند. واژه‌ها می‌توانند انسان‌ها را به هم نزدیک کنند. واژه‌ها و کلمات می‌توانند ما را به دیگران نزدیک نمایند. تفاوت‌های فرهنگی در زمینه واژه‌ها یکی از علل عدم درک و فهم ساختار خانواده باشد.

نکته بسیار با اهمیت و مهم در ارتباط با وظایف و نقش همسری: در هر سه طبقه اجتماعی اکثر پاسخگویان اعتقاد داشتند که همسران آنان هیچ وقت نقش‌های همسری را ایفا نکرده است فقط ۶٪ پاسخگویان در طبقه پائین و ۳/۵٪ در طبقه متوسط و ۷/۲۴٪ در طبقه بالا بر این باور بودند که همسران آنان گاهی اوقات نقش و وظایف همسری خویش را ایفا می‌کردند. انتظار از نقش‌ها برآورده می‌شد. زنان یک انتظاری از شوهران خود داشتند که برآورده نشده است.

در ارتباط با این سؤال که آیا شوهر شما از عهده مخارج زندگی برمی‌آید، نکته بسیار مهم این است که ۸۶٪ پاسخگویان در طبقه اجتماعی پائین اظهار داشته‌اند که همسر آنان از عهده مخارج زندگی بر نمی‌آید و ۶/۷۴٪ طبقه متوسط هم این مشکل اقتصادی را داشته‌اند و فقط ۳/۱٪ پاسخگویان در طبقه بالا گفته‌اند که همسران آنان از عهده مخارج زندگی بر نمی‌آیند.

در ارتباط با پول توجیبی ۸۲٪ پاسخگویان در طبقه پائین اظهار داشته‌اند که پول توجیبی از همسران خود دریافت نمی‌کردند و این درباره طبقه متوسط ۷/۶۸٪ می‌باشد و در طبقه بالا فقط ۳/۹٪ بر این باور بوده‌اند. به‌طور کلی هرچه زنان دارای تحصیلات، شغل و درآمد اقتصادی بودند نیازی به پول توجیبی نداشتند، و این امر زنان را در جامعه وامی‌دارد تا



شغلی بدست آورند.

نکته بسیار مهم در ارتباط با احساس رضایت از محل سکونت می‌باشد.  $۳/۸۷\%$  پاسخگویان طبقه پائین و  $۳/۷۵\%$  پاسخگویان طبقه متوسط از محل سکونت خود راضی نبودند، زیرا از نظر محل سکونت خود دچار مشکل بودند. و فقط  $۱۲\%$  پاسخگویان در طبقه بالا اظهار داشتند که از محل سکونت خود احساس راحتی نمی‌کردند.

از ازدواج خود راضی بودید؟ دلچسب شما بود؟ نکته بسیار با اهمیت این است که در شروع زندگی اکثریت پاسخگویان در سه طبقه اجتماعی از ازدواج خود راضی بودند، دلچسب آنان بوده، اما شرایطی که به آنان تحمیل شده و فشارهای زندگی آنان را وارد داشته نسبت به ازدواج و ادامه زندگی و نقشی که به آنان محول شده دلچسب نباشد. علل و عوامل پدیده طلاق در طبقات اجتماعی شروعش از همین جا است.

زنان در انتخاب همسر خود باید آزاد باشند. پاسخگویان در هر سه طبقه اجتماعی اظهار داشته‌اند، شیوه همسرگزینی باید چنین باشد یعنی دختران بتوانند همسر دلخواه خود را انتخاب کنند، خودشان تصمیم بگیرند،  $۸۲\%$  پاسخگویان در طبقه پائین و  $۷۰\%$  پاسخگویان در طبقه متوسط و  $۳/۵۳\%$  در طبقه بالا بر این باورند که انتخاب همسر می‌تواند در پایداری ازدواج بیشترین نقش را داشته باشد. اکثر آنان یا موافق بوده‌اند یا خیلی موافق، انتخاب خود رضایت درونی هم دارد. جالب اینکه زنان بر این باورند که همانند مردان می‌بایست تحصیل کرده باشند و در هر سه طبقه اجتماعی پاسخگویان موافق این سؤال بوده‌اند، زیرا تساوی در امر تحصیل می‌تواند به اقتصاد خانواده کمک نماید و زنان پایه‌پای مردان در زندگی ایفای نقش نمایند تا بتوانند به حقوق اجتماعی دسترسی پیدا کنند.

اطلاعات بدست آمده در مورد فرضیه شماره ۱ که طلاق در هر سه طبقه اجتماعی بیشتر حاصل مشکلات روانی، اجتماعی ناشی از تحرک طبقاتی زوجین است: رابطه معنی داری بین متغیرهای مستقل و وابسته وجود دارد، یعنی میزان مسائل اجتماعی ناشی از تحرک طبقاتی در طبقه بالا بیشتر و در طبقه پائین و متوسط کمتر است. تحرک طبقاتی شدید چه مثبت و چه منفی احتمال وقوع طلاق را افزایش می‌دهد. اطلاعات بدست آمده در مورد

فرضیه شماره ۲ که طلاق در هر سه طبقه اجتماعی بیشتر ناشی از شرایط آنومیک است: تأثیر شرایط آنومیک در طبقات اجتماعی بالا بیشتر از تأثیر آن در طبقات اجتماعی پائین است و سپس طبقات متوسط. البته شرایط آنومیک در شرایط دگرگونی ساختارهای اقتصادی و اجتماعی در هر سه طبقه اجتماعی به وجود می‌آید. اما در این تحقیق طبقه بالا بیشتر تحت تأثیر شرایط بی‌هنجاری جامعه بوده است.

یافته‌های بدست آمده در مورد فرضیه شماره ۳ یعنی طلاق در هر سه طبقه اجتماعی بیشتر ناشی از تعارض نقش‌ها است: اطلاعات مربوط به جداول این فرضیه نشان می‌دهد تأثیر نقش‌ها در طبقه متوسط و پائین بیشتر از طبقه بالا است. با توجه به شرایط جامعه شهری خصوصاً شهر تهران به دلیل پیچیدگی در مناسبات اجتماعی و گسترش روز افزون تقسیم کار و تعارض نقش این فرضیه به اثبات رسیده و تأثیر نقش‌های اجتماعی در هر سه طبقه اجتماعی مورد مطالعه قرار گرفته است و عوارض ناشی از تقسیم کار موجب پیدایش تعارض نقش‌ها می‌گردد، و تعارض نقش‌ها موجب تفاوت‌های بیشماری در ساختار خانواده ناسازگار می‌گردد و تعارض نقش ناشی از عوارض ناشی از تقسیم کار در جامعه پیچیده است. و این امر می‌تواند علت افزایش پدیده طلاق باشد.

یافته‌های بدست آمده در مورد فرضیه شماره ۴، تفاوت‌های فرهنگی احتمال وقوع طلاق را در هر سه طبقه اجتماعی افزایش می‌دهد: اطلاعات بدست آمده در جداول مربوط به تفاوت‌های فرهنگی نشان می‌دهد که تفاوت‌های فرهنگی در طبقه متوسط و پائین بیشتر از طبقه بالا است.

اطلاعات بدست آمده در مورد فرضیه شماره ۵ که طلاق در هر سه طبقه اجتماعی ناشی از عدم توانایی مخارج زندگی است: اطلاعات جامعه نمونه تأیید می‌کند که تنگدستی و عدم توانایی در تأمین مخارج زندگی احتمال وقوع طلاق را در طبقه پائین و متوسط افزایش می‌دهد، یعنی طبقه متوسط و پائین در تأمین هزینه‌های زندگی با مشکلات اقتصادی بیشتری نسبت به طبقه بالا مواجه هستند.

یافته‌های بدست آمده در مورد فرضیه شماره ۶ در مورد اینکه طلاق در هر سه طبقه

اجتماعی بیشتر ناشی از فاصله نقش‌ها است یعنی فاصله نقش‌ها، در طبقه پایین بیشتر در طبقه بالا است؛ نکته بسیار مهمی که باید با آن توجه داشت در جامعه ایران خصوصاً شهر تهران به دلیل شرایط نابسامانی اقتصادی و اجتماعی نقشی که به زن‌ها محول می‌شود نقش مورد علاقه آنان نیست و این نقش‌ها بیشتر تحمیلی است و دلچسب آنان نمی‌باشد و به همین دلیل آنان دچار فاصله نقش‌ها می‌شوند و از نقش خودشان کناره‌گیری می‌نمایند و این امر موجب افزایش پدیده طلاق در طبقات اجتماعی می‌شود. این تحقیق به آن توجه نموده و در سطح جامعه‌شناسی خود مورد تحلیل قرار گرفته است.

مدارک موجود و رابطه قوی در جامعه نمونه بین متغیرهای فرضیه شماره ۷ نتیجه زیر را قابل استنتاج و منطقی می‌سازد. این فرضیه قوی‌ترین زمینه را در جامعه آماری نمونه دارد و به عمق و رابطه تضاد ارزش‌های فرهنگی پرداخته، احتمال وقوع طلاق را در هر سه طبقه اجتماعی بیشتر ناشی از سبک زندگی می‌داند.

فرضیه شماره ۸ نشان می‌دهد که پدیده طلاق به دلیل دگرگونی اجتماعی موجب تغییر سبک زندگی می‌گردد و احتمال وقوع طلاق افزایش پیدا می‌کند.

رساله جامع علوم انسانی

## راهکارها

پدیده طلاق بر حسب طبقه اجتماعی از دو بعد جامعه‌شناسی کلان و جامعه‌شناسی خرد مورد مطالعه قرار گرفته است. در سطح کلان توجه به برهم خوردن ساختار اقتصادی و اجتماعی می‌باشد. این دگرگونی در ساخت خانواده موجب شده که خانواده سنتی در شهر تهران جای خود را کاملاً به خانواده مدرن داده که از لحاظ ساخت، وظیفه، نقش و ارزش‌های فرهنگی با خانواده سنتی متضاد می‌باشد در نتیجه فرهنگی جدید با مدل‌های مختلف خود در خانواده راه می‌یابد و موجب پیدا شدن تضادهائی در سطح جامعه‌شناسی خرد در زمینه ارزشها و رفتار می‌گردد.

خانواده جدید شهری تاب تحمل این دگرگونی سریع را ندارد و این امر شرایط سختی را به خانواده تحمیل نموده است. و خانواده جدید حداقل خانواده جدید شهرنشینی در برابر

مفاهیم تازه‌ای چون موفقیت در زندگی شغلی، تساوی دو جنس، ارزش پول و پس انداز، اعتقاد به امکان دگرگونی خصوصاً خانواده شهری را در طبقات مختلف اجتماعی به سوی ارزش‌های کاذب مصرفی جلب می‌کند. بدون شک میزان قبول و یا مقاومت خانواده‌ها در برابر این ارزش‌های کاذب مصرفی جلب می‌کند.

بدون شک میزان قبول و یا مقاومت خانواده‌ها در برابر این ارزش‌های جدید متفاوت است و عواملی چون میزان تحصیلات، شغل و درآمد در این زمینه بسیار موثر است. چون خانواده‌های شهری جدید هم می‌خواهند متجدد باشند و هم در ضمن پایبند سنت هستند و در نتیجه نظر و رفتار ایشان متفاوت است، با توجه به مباحث فوق نکات ذیل در زمینه ثبات و نظم خانواده پیشنهاد می‌گردد:

### راهکارهای راهبردی

۱ - در شیوه انتخاب همسر که گزینش برای همه دوران زندگی است می‌باید دقت بیشتری انجام شود.

۲ - با توجه به اینکه پدیده طلاق در حال گسترش می‌باشد پیشنهاد می‌گردد ازدواج‌ها بر اساس کنش عقلایی انجام گیرد زیرا ازدواج نادرست ریشه بسیاری از مشکلات و ناسازگاری‌های خانواده می‌باشد.

۳ - معاشرت منطقی و آشنایی و شناخت در ازدواج‌ها می‌تواند موجب استحکام خانواده گردد.

۴ - با توجه به اینکه تمایل جوانان دختر و پسر به داشتن هر چه بیشتر استقلال از والدین افزایش یافته است، بدون تامل و دوراندیشی و مشورت با اعضای خانواده، بی آنکه میان آنان تناسب و تفاهم باشد به آسانی با هم ازدواج می‌کنند و پس از مدتی ناسازگاری شروع می‌شود.

۵ - جامعه برای امر حساس و مهم ازدواج که پایه ثبات و سعادت بر آن نهاده شده است اندیشه و تفکر لازم را نکرده است، زیرا جامعه می‌بایست برای یک ازدواج درست، آگاهی

و شناخت لازم را به جوانان دختر و پسر بدهد.

۶- خانواده و جامعه می‌بایست آموزش پیش از ازدواج را جدی بگیرند و برای ازدواج درست، مناسب و بادوام تعریف دقیق بیابد و شرایط آن را روشن سازد تا به این ناهنجاری پایان داده شود.

۷- دگرگونی‌های عمده‌ای در الگوهای زندگی خانوادگی در ایران خصوصاً شهر تهران در دوران جدید بوجود آمده است. این دگرگونی نیازهای اقتصادی و اجتماعی خانواده‌ها را بالا برده، در نتیجه خانواده‌ها در جامعه شهری خصوصاً طبقه پایین و متوسط از عهده مخارج زندگی بر نمی‌آیند، لذا دولت باید در این زمینه راهکارهای مناسبی برای تعادل و نظم خانواده جدید شهری پیدا کند.

۸- در ازدواج‌های شهری خانواده‌ها می‌بایست به تفاوت‌های فرهنگی در امر ازدواج توجه نمایند.

۹- با توجه به فرضیه فاصله نقش‌ها، زن و شوهری که عاشق و معشوق هم نباشند آسفتگی ذهنی پیدا می‌کنند، نارسائی پیدا می‌کنند و بدتر از هر چیز اینکه هر کاری را هم که بکنند نه از روی علاقه بلکه به صرف انجام وظیفه می‌کنند، نسبت به یکدیگر هم حس نیستند، یکدیگر را نمی‌فهمند و درک نمی‌کنند. بنابراین پیشنهاد می‌گردد در انتخاب همسر می‌بایست علاوه بر تحصیل، شغل، درآمد و سبک زندگی به علاقه و انگیزه یکدیگر توجه شود تا زندگی روال طبیعی خویش را طی کند.

۱۰- با توجه به اینکه یکی از علل طلاق، تضاد ارزش‌های فرهنگی است تعارض و تضاد ارزشهای فرهنگی می‌تواند در پیدایش علل طلاق موثر باشد، لذا باید به پسران و دختران، پدران و مادران آموزش داده شود تا به این مهم توجه نمایند تا در ادامه زندگی دچار مشکل نشوند.

## راهکارهای کاربردی

۱- هر طبقه اجتماعی دارای فرهنگ و پاره فرهنگ خاص خودش است. از این رو پیشنهاد

می‌گردد در شیوه همسرگزینی علاوه بر مسائل اقتصادی، تحصیل، درآمد و شیوه زندگی، خانواده‌ها به پاره فرهنگ‌های یکدیگر توجه نمایند تا دچار مسائل و مشکلات متعدد نگردند زیرا هر بخش از اعضای جامعه ویژگی‌های خاص خودشان را دارند.

۲- جامعه و مردم ما در گذر از بحران‌های سخت اجتماعی نیازمند برنامه‌های مختلف آموزشی می‌باشند تا دچار واپس ماندگی فرهنگی نشوند. زیرا در جامعه ایران خصوصاً شهری چون تهران تکنولوژی، زندگی سنتی را دستخوش تغییراتی کرده است. لذا سازوکارهای بنیادین برای گذر از بحران‌های موجود اجتماعی، اقتصادی، سیاسی و فرهنگی می‌تواند جامعه شهری ما را در طبقات اجتماعی به تعادل و نظم برساند.

۳- با توجه به اینکه پاسخگویان مورد مطالعه اعتقاد داشتند زنان می‌بایست همانند مردان باشند. در شرایط فعلی زنان از نظر اجتماعی در موقعیتی قرار گرفته‌اند که می‌توانند به گونه‌ای هدفدار شغل، تحصیل، درآمد و همسر خود را انتخاب کنند. لذا باید به آنان فرصت داد تا راه زندگی‌شان را خود انتخاب کنند و از تسلط مردان خارج شوند.

۴- در طول زندگی اجتماعی، مردان نیازی به شناخت دنیای زنان احساس نکرده‌اند و کمتر خود را به جای زنان گذاشته‌اند و این امر باعث شده بیشتر مردان از احساسات و رویکردهای عاطفی زنان بیگانه بمانند و این امر تعارض نقش‌ها را به وجود می‌آورد.

۵- ساختارهای کلان اجتماعی مانند پدر سالاری فرصت کمتری را در اختیار زنان گذاشته تا آنان هویت اجتماعی و شخصیت خود را پیدا کنند. می‌بایست در این امر مهم فرصت‌های اجتماعی و فرهنگی را در اختیار زنان قرار داد تا در زندگی به حد مطلوب برسد.

## منابع و مأخذ

- ۱- آریان پور، ا. ح.، ۱۳۶۲، پژوهش، چاپ چهارم، تهران: امیرکبیر.
- ۲- آرون، ریمون، ۱۳۷۰، مراحل اساسی اندیشه در جامعه‌شناسی، ترجمه باقر پرهام، چاپ دوم، انتشارات انقلاب اسلامی.
- ۳- آشوری، داریوش، ۱۳۸۰، تعریف‌ها و مفهوم فرهنگ، تهران: آگاه.
- ۴- آگ برن و نیم کوف، ۱۳۵۶، زمینه جامعه‌شناسی، اقتباس، ا. ح. آریان پور، تهران: کتاب‌های جیبی.

- ۵- اتسلندر، پتر، ۱۳۷۱، روش‌های تجربی تحقیق اجتماعی، ترجمه بیژن کاظم‌زاده، مشهد: انتشارات معاونت فرهنگی آستان قدس.
- ۶- ادیبی، حسین و عبدالعمود انصاری، ۱۳۵۸، نظریه‌های جامعه‌شناسی، جامعه.
- ۷- ادیبی، حسین، ۱۳۵۴، جامعه‌شناسی طبقات اجتماعی، تهران: دانشگاه تهران.
- ۸- اسکیدمور، ویلیام، ۱۳۷۲، تفکر نظری در جامعه‌شناسی، ترجمه گروه مترجمان، نشر سفیر.
- ۹- انصاری، ابراهیم، ۱۳۷۸، نظریه‌های قشربندی اجتماعی و ساختار تاریخی آن در ایران، دانشگاه اصفهان.
- ۱۰- باتامور، تام، ۱۳۷۳، مکتب فرانکفورت، ترجمه محمد کتابی، نشر پرسش.
- ۱۱- باتومور، تی، بی، ۱۳۴۷، طبقات اجتماعی در جوامع جدید. ترجمه اکبر مجدالدین.
- ۱۲- بلومر، هربرت و دیگران، ۱۳۷۳، ترجمه غلام عباس توسلی، تهران: قومس، چاپ اول.
- ۱۳- بودون، ریمون، ۱۳۶۹، روش‌های جامعه‌شناسی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: انتشارات علمی و فرهنگی.
- ۱۴- بیرو، آلن، ۱۳۶۶، فرهنگ علوم اجتماعی، ترجمه باقر ساروخانی، تهران: کیهان.
- ۱۵- پدهازور، کرلینجر، ۱۳۶۶، رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری، ترجمه دکتر حسن سرایی، جلد اول، نشر دانشگاهی.
- ۱۶- پدهازور، کرلینجر، ۱۳۶۶، رگرسیون چند متغیری در پژوهش رفتاری، ترجمه دکتر حسن سرایی، جلد دوم، نشر دانشگاهی.
- ۱۷- تنهایی، ابولحسن، ۱۳۷۴، مکاتب و نظریه‌های جامعه‌شناسی، تهران: مردنیز.
- ۱۸- توسلی، غلامعباس، ۱۳۸۰، جستارهایی در جامعه‌شناسی معاصر، ندای امروز.
- ۱۹- —، ۱۳۷۱، نظریه‌های جامعه‌شناسی تهران: سمت.
- ۲۰- —، نامه انجمن جامعه‌شناسی ایران، فرجام جدال در جامعه‌شناسی خرد و کلان.
- ۲۱- جی، مارتین، ۱۳۷۳، تاریخچه مکتب فرانکفورت، ترجمه چنگیز پهلوان، کویر.
- ۲۲- چلبی، مسعود، ۱۳۷۹، جامعه‌شناسی نظم، تهران: نی.
- ۲۳- داوس، دوی، ای، ۱۳۷۶، پیمایش در تحقیقات اجتماعی، ترجمه هوشنگ نایی، تهران: نی.
- ۲۴- دورکیم، امیل، ۱۳۶۹، تقسیم کار اجتماعی، ترجمه باقر پرهام، کتابسرای بابل.
- ۲۵- دوورژه، موریس، ۱۳۶۲، روش‌های علوم اجتماعی، ترجمه خسرو اسدی، تهران: امیرکبیر.
- ۲۶- رفیع پور، فرامرز، ۱۳۶۰، کندوکاوها و پنداشته‌ها، ناشر انتشار.
- ۲۷- روح الامینی، محمود، ۱۳۷۲، زمینه فرهنگ‌شناسی، عطار.
- ۲۸- —، مبانی انسان‌شناسی، (گرد شهر با چراغ) عطار.

## ۶۲ ❖ عوامل مؤثر در طلاق بر حسب طبقه اجتماعی

- ۲۹ - روشه، گی، ۱۳۷۶، جامعه‌شناسی تالکوت، پارسونز، ترجمه عبدالحسین نیک‌گهر، انتشارات بنیان.
- ۳۰ - ...، ۱۳۷۲، تغییرات اجتماعی، ترجمه منصور وثوقی، تهران: نی، چاپ چهارم.
- ۳۱ - ریترز، جورج، ۱۳۷۴، نظریه جامعه‌شناسی در دوران معاصر، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.
- ۳۲ - ساروخانی، باقر، ۱۳۷۰، دایرةالمعارف علوم اجتماعی، تهران: کیهان.
- ۳۳ - ...، ۱۳۷۳، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، اصول و مبانی جلد نخست، ناشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۳۴ - ...، ۱۳۷۳، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، جلد دوم، ناشر پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ۳۵ - ...، ۱۳۶۷، طلاق، پژوهش در شناخت واقعیت و عوامل آن، تهران: آگاه.
- ۳۶ - سرایی، حسن، ۱۳۷۲، تحقیقات علمی، مطالعات کارشناسی و توسعه علمی از مجموعه مقاله‌های سمینار جامعه‌شناسی (جلد اول)، تهران: سمت.
- ۳۷ - ...، ۱۳۷۲، مقدمه‌ای بر نمونه‌گیری در تحقیق تهران: سمت.
- ۳۸ - سورکین، الکساندر پیترم، نظریه‌های جامعه‌شناسی و فلسفه نوین تاریخ، ترجمه اسدالله نوروزی، انتشارات حق شناس، ۱۳۷۷.
- ۳۹ - سیفاللهی، سیفالله، ۱۳۷۴، اقتصادی سیاسی ایران، مجموعه مقاله‌ها و نظرها، ناشر پژوهشگاه جامعه پژوهش و برنامه ریزی المیزان.
- ۴۰ - ...، ۱۳۸۱، جامعه‌شناسی مسائل اجتماعی ایران، انتشارات جامعه پژوهان سینا، چاپ اول.
- ۴۱ - ...، ۱۳۷۳، مبانی جامعه‌شناسی، اصول، مبانی و مسائل اجتماعی، تهران: مرنديز.
- ۴۲ - شاملو، سعید، ۱۳۷۴، مکتب‌ها و نظریه‌ها در روان‌شناسی شخصیت، انتشارات رشد.
- ۴۳ - صالحی، محمد مهدی، ۱۳۵۲، جامعه‌شناسی معاصر، چاپ ندا.
- ۴۴ - فروند، زولین، ۱۳۶۷، جامعه‌شناسی ماکس وبر، ترجمه عبدالحسن نیک‌گهر، رایزن.
- ۴۵ - کرایب، یان، ۱۳۷۸، نظریه اجتماعی مدرن، از پارسونز تا هابرماس، ترجمه عباس مخبر، تهران: آگاه.
- ۴۶ - کاظمی پور، شهلا، ۱۳۷۸، الگویی در تعیین پایگاه اجتماعی - اقتصادی افراد و ...، نامه علوم اجتماعی شماره ۱۴ پاییز و زمستان.
- ۴۷ - کلمن، جیمز، ۱۳۷۷، بنیادهای نظریه اجتماعی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی.
- ۴۸ - کوزر، لوئیس، ۱۳۷۰، زندگی و اندیشه بزرگان جامعه‌شناسی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: انتشارات علمی.



## عوامل مؤثر در طلاق بر حسب طبقه اجتماعی ❖ ۶۳

- ۴۹ - کوزر، لوئیس و برنارد روزنبرگ، ۱۳۷۸، نظریه‌های بنیادی جامعه‌شناختی، ترجمه فرهنگ ارشاد، تهران: نی.
- ۵۰ - کیوی، ریمون و کامپنهود، لوک وان، ۱۳۷۳، روش تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه عبدالحسین نیک گهر، تهران: فرهنگ معاصر.
- ۵۱ - گرونرژ، چارلز، ۱۳۷۸، جامعه‌شناسی مرتون، ترجمه زهره کسایی، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۵۲ - گیدنز، آنتونی، ۱۳۷۳، جامعه‌شناسی، ترجمه منوچهر صبوری، تهران: نی، چاپ اول.
- ۵۳ - \_\_\_\_\_، ۱۳۷۹، جهان رها شده، ترجمه علی اصغر سعیدی و یوسف حاجی عبدالوهاب، انتشارات علم و ادب.
- ۵۴ - \_\_\_\_\_، دورکیم، ترجمه یوسف اباذری، تهران: خوارزمی.
- ۵۵ - \_\_\_\_\_، ۱۳۷۵، سیاست و جامعه‌شناسی در اندیشه ماکس وبر، ترجمه مجید محمدی، تهران: قطره.
- ۵۶ - \_\_\_\_\_، ۱۳۸۰، معنای مدرنیته، ترجمه علی اصغر سعیدی، کویر.
- ۵۷ - لاروک، پی‌یر، ۱۳۵۸، طبقات اجتماعی، ترجمه ایرج علی آبادی، کتابخانه فروردین.
- ۵۸ - لازار سفلد، پل، ۱۳۷۰، بینش‌ها و گرایش‌های عمده در جامعه‌شناسی معاصر، ترجمه و تدوین: غلامعباس توسلی، تهران: امیرکبیر.
- ۵۹ - لهسائی‌زاده، عبدالعلی، ۱۳۷۴، نابرابری و قشربندی اجتماعی، انتشارات دانشگاه شیراز.
- ۶۰ - محسنی تبریزی، علیرضا، ۱۳۷۰، بیگانگی، نامه علوم اجتماعی، جلد دوم، شماره ۲.
- ۶۱ - مک‌نیل، پاتریک، ۱۳۷۶، روش‌های تحقیق در علوم اجتماعی، ترجمه محسن ثلاثی، تهران: آگاه.
- ۶۲ - مندراس، هانری و گوریچ، ژرژ، ۱۳۶۹، جامعه‌شناسی ترجمه باقرپرهم، انتشارات امیرکبیر، تهران.
- ۶۳ - موسکا، گائتانو، ۱۳۷۶، دگرگونی اجتماعی، تألیف لوچانو کاولی، ترجمه و تدوین حسین افشار، انتشارات دانشگاه علامه طباطبائی.
- ۶۴ - نراقی، احسان. علوم اجتماعی و سیر تکوینی آن، ناشر نیکان.
- ۶۵ - وبر، ماکس. اخلاق پروتستان و روح سرمایه‌داری. مترجم انگلیسی: تالکوت پارسن ر. مترجم فارسی: عبدالمعبود انصاری، تهران: سمت.
- ۶۶ - \_\_\_\_\_، ۱۳۷۰، دانشمند و سیاستمدار، با مقدمه‌ای از ریمون آرون، ترجمه احمد تقیب زاده، دانشگاه تهران.
- ۶۷ - \_\_\_\_\_، مفاهیم اساسی جامعه‌شناسی، ترجمه: احمد صدارتی، تهران: مرکز، ۱۳۷۱.
- ۶۸ - وثوقی، منصور، ۱۳۶۹، فونکسیونالیسم و تغییر اجتماعی، نامه علوم اجتماعی، جلد دوم شماره ۱.

❖ ۶۴ عوامل مؤثر در طلاق بر حسب طبقه اجتماعی

۶۹- ، و علی اکبر نیک خلق، ۱۳۷۲، مبانی جامعه‌شناسی، خردمند، چاپ ششم.

۷۰- هولاب، رابرت، ۱۳۷۵، هابرماس، ترجمه حسین بشریه، تهران: نی.

۷۱- هریسون، دیوید، ۱۳۷۶، جامعه‌شناسی نوسازی و توسعه، ترجمه علیرضا کلدی، دانشگاه علوم بهزیستی و توانبخشی.

72. Anderson , Micheal, 1998, **sociology of the family middle sen penguin.**

73. Davies , marting, 1991, **The sociology of social work london and newyork.**

74. Fox , Robin, 1995, **kinship and marriage Midde sen, penguin.**

75. Giddenns , Anthony, 1989, **This is a persian of sociology polity.**

76. Goode, William, 1987, **Methods in social Research, paul Hatt.**

77. George s. pransky, **divorce is not the answer a change of Heart will save yourmarriage.**

78. Nigel ,odd, **social theory and modernity, polity.**

79. Stone , lawrence, **Rodt divorce, axford University press.**

80. Thompson , Ross and Amato paul thousand New.

81. Weber max & Huff toby **Methodology of the social sciences,**

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی  
پرتال جامع علوم انسانی